

بررسی مستندات قرآنی مناجات الذاکرین با تکیه بر روابط بینامتنی

الهام میرزایی^۱

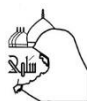
چکیده

سعادت انسان در گرو آن است که هر لحظه به یاد خدا باشد. بارزترین نوع ذکر، مناجات و نجوا با پروردگار است، چرا که بنده در هر شرایط و در هر مکانی می‌تواند ذاکر الهی باشد. مناجات الذاکرین امام سجاد (علیه‌السلام)، یکی از برترین مصادیق ذکر الهی است که از محورهای مناجات خمس عشر ایشان می‌باشد. در این مناجات، سیدالساجدین (علیه‌السلام) بعد از بررسی انواع ذکر، به محورهای مختلف ذکر نیز پرداخته است. محقق سعی دارد علاوه بر بررسی وجوب ذکر و مراتب آن، به تبیین مقام، آداب، موانع و آثار ذکر در کلام امام معصوم (علیه‌السلام)، بر اساس مطابقت با قرآن کریم و روایات بپردازد. لازم به ذکر است که نوشتار حاضر، از جهت گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای، از جهت هدف، بنیادی و از جهت داده‌پردازی اطلاعات، توصیفی - تبیینی است.

واژگان کلیدی: مستندات، مناجات، ذکر، مناجات الذاکرین، بینامتنی.

مقدمه

یگانه عامل سعادت و کمال و سرچشمه قدرت روحی و معنوی انسان توجه به خدا و اشتغال به یاد اوست. در تعالیم اسلامی دستورالعمل‌های مختلفی وجود دارد که هر فرد مسلمانی باید از طریق آن‌ها خدا را یاد کند تا اشتغالات روزمره او را به کلی از یاد خداوند غافل نگرداند. و از آنجایی که دعا و ذکر تابع مکان و



^۱ سطح ۳ مدرسی ادبیات عربی، حوزه علمیه رفیعه المصطفی، lhmirzaii1396@gmail.com

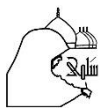
زمان و شرایط خاصی نیست هر فردی بنا به تشخیص خود می‌تواند از آن استفاده کند.

یکی از نیازهای فطری انسان ذکر است. از بدو خلقت نیز تنها یکی از راه‌های ارتباط با خالق ذکر بوده و هست، به همین دلیل موضوع ذکر و اهمیت آن در قرآن و روایات بسیار مطرح شده است تا جایی که در قرآن داریم هدف اصلی از خواندن نماز ذکر است. از اهمیت ذکر همان بس که تمام موجودات در حال ذکر پروردگار هستند اما برترین نوع ذکر مربوط به انسان می‌باشد که از نوع ذکر و توجه قلبی است.

دعا و مناجات از زبان ائمه علیهم السلام نیز تاییدی بر اهمیت ذکر است چرا که برجسته ترین ذاکرین ایشان هستند و مناجات الذاکرین امام سجاد (علیه السلام)، یکی از برترین مضامینی است که علاوه بر بررسی انواع ذکر به محورهای مختلف ذکر نیز پرداخته است، اما تا کنون در پژوهشی به طور منسجم این محورها استخراج نشده است. بنابراین محقق سعی دارد این محورها را براساس آیات قرآن و روایات به دست آورده، و به بررسی مراتب ذکر براساس دیدگاه امام سجاد علیه السلام و همچنین تبیین مقام، آداب ذکر و عوامل و موانع آثار آن بپردازد.

در آیات قرآن به ذکر توجهی خاصی شده است و در کلام معصومین (علیهم السلام) نیز ذکر جایگاه ویژه ای دارد، مناجات الذاکرین امام زین العابدین (علیه السلام) نمونه بارز توجه معصوم به ذکر است.

اما با وجود تمام ویژگی‌های برجسته ای که در خصوص این مناجات بیان شد و طبق جستجویی که از شبکه اینترنت، از مراکز علمی و کتابخانه‌ها به دست آمد





تالیفی مشابه موضوع مورد بحث تدوین نشده است، همچنین کتابی که بطور مبسوط به بررسی ذکر و محورهای آن مطابق با قرآن و روایات باشد به دست نیامد؛ هرچند در مناجات خمسہ عشر دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی که در سال ۱۳۸۳ چاپ شده به شرح مختصری از مناجات الذاکرین پرداخته است. البته در پایان نامه دیگری نیز با عنوان «بررسی مبانی قرآنی و روایی مناجات الذاکرین» توسط خانم انسبیه عراقی و به راهنمایی آقای امیر توحیدی در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در سال ۱۳۹۰ تدوین شده است؛ در این پایان نامه اعتبار سندی مناجات الذاکرین و تا حدودی شرح مناجات مورد بررسی قراگرفته اما به همه فرازهای دعا و محورهای ذکر پرداخته نشده است.

در این میان کلیدی‌ترین سوالی که باید به آن پاسخ داده شود؛ این است که محورهای مورد بحث در دیدگاه سید الساجدین (علیه‌السلام) در مناجات الذاکرین چه می‌باشند؟ و امام معصوم (علیه‌السلام) مراتب ذکر، آداب، آثار و موانع ذکر را چه می‌دانند؟

بررسی این پژوهش طبق آنچه گفته شد از نوع کیفی و از جهت گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است اما از جهت تدوین و داده پردازی اولیه توصیفی - تبیینی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد.

پیش فرض‌ها:

۱- یکی از مهم‌ترین منابع تربیتی اسلام، آثار به جا مانده از اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

۲- از آثار مهم ائمه علیهم‌السلام می‌توان به مناجات‌های خمسہ عشر اشاره کرد.

۳- از مناجات‌های در خور توجه در میان پانزده مناجات امام سجاد (علیه‌السلام)، مناجات‌الذاکرین است.

۴- سید الساجدین امام زین العابدین (علیه‌السلام) در ضمن فرازهای مناجات‌الذاکرین به مواردی چون مراتب، آثار و آداب ذکر اشاره فرموده اند.

فرضیه:

مضامین و محورهای مناجات‌الذاکرین در کلام امام المتقین امام سجاد (علیه‌السلام) براساس مبانی قرآن کریم و روایات است.

۱. مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی:

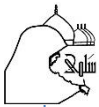
در ابتدای این نوشتار محقق می‌خواهد برای آشنایی بهتر با موضوع بحث و درک بهتر از آن برخی واژگان مهم و کلیدی را تبیین کند.

۱-۱- مستندات:

واژه‌ی مستند از ریشه‌ی «سند» به معنای ضمیمه کردن یک چیز به چیز دیگری برای تایید آن است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۳۲) در واقع مستند هر چیز به معنای منبع و سند و دلیل معتبر آن است.

۱-۲- مناجات:

مناجات و نجوا که دو کلمه‌ی هم‌خانواده هستند در لغت به معنای در گوشه سخن گفتن و راز گفتن با دیگری به صورت پنهانی است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۶) برخی دیگر نیز مناجات را به این معنا دانسته اند که در مکانی مرتفع با فردی به صورت راز گفتن، خلوت کنی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۲) معنای مناجات در ادبیات دینی، سخنان و نجوهای خصوصی انسان با خداوند تعالی است و شرایط روحی انسان ایجاب می‌کند که این سخن گفتن، آرام و





نجواگونه باشد چرا که مناجات و درخواست از خداوند متعال با اعتراف به گناهان همراه است و انسان مایل نیست عیب و گناهان او در معرض شنیدن دیگران قرار بگیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲)

۳-۱- ذکر:

در معجم مقاییس اللغة آمده است که ذکر خلاف نسیان است. (ابن فارس، ج ۲، ص ۳۸۵) در حالی که در مفردات ذکر را یادکردن می‌داند خواه با زبان باشد یا با قلب و هر دو خواه بعد از نسیان باشد یا از ادامه ذکر. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵) راغب می‌گوید: گاهی مراد از ذکر، هیئت نفسانی است که شخص می‌تواند آنچه از دانایی به دست آورده است حفظ کند و آن مانند حفظ است الا این که حفظ به اعتبار نگه داشتن و ذکر به اعتبار حاضر کردن آن در ذهن است و گاهی به حضور شی در قلب و هكذا به قول اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، همان)

۴-۱- مناجات الذاکرین:

مناجات الذاکرین یا مناجات یادکنندگان خدا، از مناجات‌های پانزده‌گانه است که در کتاب‌های الصحیفه الثانیه السجادیه و بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۱، ص ۱۴۲) نقل شده است، علامه مجلسی می‌گوید: «این مناجات را در برخی کتاب‌های اصحاب دیدم که از امام سجاد (علیه‌السلام) روایت کرده اند.» (مجلسی، همان) شیخ حر عاملی نیز در «الصحیفه الثانیه السجادیه» این مناجات را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ تردیدی به امام سجاد (علیه‌السلام) نسبت داده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۷۹) محور این مناجات مباحث اخلاقی و عرفانی می‌باشد بدین منظور که بنده نمی‌تواند حق ذکر و یاد خداوند را به جای آورد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۶)

۵-۱- تناس (بینامتنیت):

اصطلاح بینامتنی به رابطه‌های گوناگون متون از لحاظ صورت و معنا اشاره می‌کند. متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌کند که می‌تواند دیگر متون را در درون آن‌ها خلق و تفسیر کرد. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۳۶) بینامتنیت یا تناس به رابطه تفسیری و معناشناختی ناظر است و در تفسیر قرآن نیز مراد از بینامتنی، توجه به روابط نشانه‌شناختی و معناشناختی است که متون دیگر می‌توانند با قرآن داشته باشند. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴) اصل اساسی نظریه بینامتنیت این است که هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها پیوسته براساس متن‌های گذشته بنا می‌شوند. (نامورمطلق، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

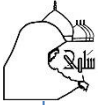
هر کسی که عهده دار فهم یک متن هست می‌بایست رابطه آن متن با سایر متون را تعیین کند. جهت فهم یک متن تنها توجه به روابط درون متنی کارساز نیست و باید به رابطه متن با سایر متون نیز توجه کند. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۳۶)

۲- وجوب ذکر ودلائل آن:

ذکر خداوند متعال یکی دیگر از واجبات الهی است که امام سجاد (علیه‌السلام) نیز در مناجات‌الذاکرین خود آن را بیان کرده است و ذکر زبانی را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی می‌داند. محقق سعی دارد در این بخش ضمن بررسی واژه امر به آیات منطبق با این نعمت بزرگ بپردازد.

۲-۱- استعمال واژه امر:

در ابتدای مناجات امام سجاد (علیه‌السلام) اهمیت و وجوب ذکر را بیان فرموده اند؛ این که دستور ذکر از جانب خداوند کریم بر بندگان واجب شده است.





«إِلَهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَّهْتِكَ مِنْ [عَنْ] ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلَيَّ أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مَقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيرِكَ؛ خدایا اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از اینکه ذکر تو گویم، بآنکه یاد من از تو در حد و اندازة فهم من است، نه در حد مقام تو و چگونه ممکن است فهم من به حدی برسد که آن را محلی برای تقدیس تو قرار دهم؟» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۱)

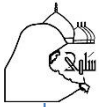
این بیان را حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ی ۱۸۳ نهج البلاغه چنین می‌فرماید:

«وافترض من السننكم الذکر» (سیدرضی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸) «خداوند یاد خویش را بر زبان‌های شما واجب نمود.»

بر اساس آنچه در کتب لغت آمده امر ضد نهی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۹۷) و دو معنی دارد؛ یکی کار و چیز، جمع آن امور است؛ و دیگری دستور و فرمان. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۹)

آنچه از بررسی مناجات‌الذاکرین به دست می‌آید این است که منظور امام‌المتقین (علیه السلام) از واژه امر در فراز ابتدایی مناجات همان دستور و فرمان است. در آیات قرآن کریم نیز همین معنا آمده است آن‌جا که خداوند متعال در آیه ۲۰۵ سوره مبارکه اعراف به انسان امر می‌کند با حالت تضرع و خیفه یاد او باشد:

«وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ و پروردگار خویش را در ضمیر خود و به آرامی هر صبح و شام با خوف و زاری یاد کن و از غافلان مباش»



امام العارفین امام سجاد (علیه السلام) در همین فراز به نکته‌ای مهم اشاره دارند اینکه یاد کردن ما در حد ظرفیت وجودی و معرفتی ماست و هر چه ظرفیت وجودی ما گسترش یابد ذکر ما نسبت به خداوند تبارک و تعالی عمیق‌تر می‌شود. اما از آن‌جا که ظرف وجودی ما محدود است یادکردن ما متناسب با وجود نامحدود خداوند متعال نیست.

بنابراین نعمت ذکر، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که خداوند به بندگان خود عطا فرموده است که امام سجاد (علیه السلام) در فراز بعدی به این مطلب می‌پردازند.

۲-۲- معرفی ذکر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها:

همان‌طور که گفته شد سید الساجدین امام سجاد (علیه السلام) در فرازهای ابتدایی مناجات خود با

خداوند متعال ذکر زبانی را یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها می‌داند.

«و مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَوْرَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلْسِنَتِنَا؛ از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست». (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۱) نعمت همان مواهب الهی است که نصیب بندگان می‌شود. (خرمشاهی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۴۷)

نعمت را به جهت خوب و دلچسب بودن نعمت گفته‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۸۴) لذا راغب می‌گوید: حالتی است که انسان از آن لذت می‌برد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۴)

مکارم شیرازی در توضیح ذکر زبانی می‌فرماید: در علم اخلاق، ذکر لفظی را بی‌اثر ندانسته‌اند؛ چراکه مقدمه رسیدن به مراحل بالاتر ذکر است و همیشه با



توجهی اجمالی همراه است مثلاً شخص نمازگزار به صورت اجمالی می‌داند که رو به سوی خدا دارد و برای او نماز می‌خواند و همین توجه مختصر اجازه ورود انسان به ورطه غفلت را نمی‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۱)

در قرآن آیات بسیاری در مورد نعمت و یادآوری آن آمده است به نمونه ای از آن اشاره می‌شود. «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُوهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ»؛ نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار می‌کنند و اکثر اینان کافرند. « (سوره نحل، آیه ۸۳)

در تفسیر قمی ذیل این آیه آمده: مراد از «نعمه الله» ائمه علیهم السلام هستند و دلیل بر این‌که ائمه نعمت الهی هستند قول خداوند متعال است که در آیه ۲۸ سوره مبارکه ابراهیم می‌فرماید:

« أَلَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ؛ آیا ندیدی کسانی را که (شکر) نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۵۱؛ قمی، ج ۲، ص ۵۹۷)

در روایات بسیاری نیز از ائمه (علیهم السلام) به عنوان نعمت یاد شده است: امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: به خدا سوگند ما نعمت خدا هستیم که خداوند ما را بر بندگانش عنایت فرموده است و به وسیله‌ی ما رستگاران، رستگار می‌شوند. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۷۰)

با توجه به تعریف نعمت و نمونه‌هایی از آیات و روایات که در مورد نعمت به آن‌ها اشاره شد می‌توان گفت ذکر خدا و جریان ذکر خدا بر زبان در واقع می‌تواند ذکر اهل بیت علیهم السلام و بیان فضایل و مناقب آن‌ها باشد که ایشان

از مصادیق اعلای ذکر خدا و نعمت پروردگار و جریان ذکر خداوند بر زبان هستند.

۳-۲- اذن الهی:

امام سجاد (علیه السلام) در ادامه فراز قبلی اذن الهی را جهت تسبیح و تنزیه خداوند تبارک و تعالی لازم می‌دانند و می‌فرمایند:

« وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ؛ و تو به ما اجازه داده‌ای که تو را بخوانیم و به تنزیه و تسبیح تو مشغول شویم. » (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۱) با این توضیح که «واو» عطف در ابتدای جمله دلیل عطف این فراز به فراز قبلی است و این معنا را می‌رساند: و از نعمت‌های بزرگ الهی است که به ما اجازه فرموده تا او را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوئیم.

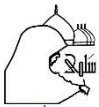
در قاموس قرآن آمده است: اذن (بر وزن علم) در قرآن به معنای اجازه، اراده، اعلام، اطاعت، و علم به کار رفته است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۶)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم به کاربرد اذن در معنای رخصت و اجازه اشاره دارد آیه ۳۸ سوره نباء می‌باشد:

« يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ قَالَ صَوَابًا؛ روزی که «روح» و «ملائکه» در یک صف می‌ایستند و هیچ‌یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی‌گویند، و (آنگاه که می‌گویند) درست می‌گویند.»

تفسیر شریف لاهیجی در مورد این آیه می‌فرماید: تکلم انسان موقوف به دو شرط است؛ یکی اذن الهی و دیگری سخن راست گفتن. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴،

ص ۶۹۶) در روایات نیز اذن در معنای اجازه آمده است:





روز قیامت هیچ‌یک از پیامبران (علیهم‌السلام) و رسولان حق شفاعت ندارند مگر آن‌که خداوند بر آن‌ها اذن شفاعت دهد، جز رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) که خداوند قبل از روز قیامت بر آن حضرت اذن شفاعت داده است، و شفاعت برای او و برای ائمه علیهم‌السلام از فرزندان او، سپس از برای انبیاء و پیامبران (علیهم‌السلام) می‌باشد. (حویزی عروسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۴) از بررسی واژه اذن در قرآن و روایات، در می‌یابیم که همه امور به اذن الهی انجام می‌گیرد؛ از شفاعت روز قیامت تا سخن گفتن و سید الساجدین (علیه‌السلام) که این موضوع را به خوبی می‌داند در این فراز از دعا می‌فرماید: خداوندا دعا و ذکر ما با اجازه و اذن خودت می‌باشد و این رخصت نیز از نعمت‌های بزرگ خداوندی است.

۳- مراتب ذکر:

یاد خدا دارای درجات و مراتبی است که به اعتبار آن از فضیلت و ارزش متفاوتی برخوردار خواهد بود. ذکر لفظی، قلبی و عملی مراتب ذکر از جهت جوارح هستند که امام سجاد علیه‌السلام نیز در مناجات‌الذاکرین از آن یاد کرده است. ذکر جلی و ذکر خفی هم نوعی دیگر از تقسیم بندی ذکر از جهت خفا و تجلی بودن، است که امام سجاد علیه‌السلام آن را از خداوند متعال خواستارند. در این بخش محقق بنا دارد این درجات و مراتب را بررسی کند و آیات مرتبط با آن را استخراج کند.

۳-۱- ذکر از جهت جوارح:

در این تقسیم ذکر به قلبی، زبانی و عملی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱-۱-۳- ذکر زبانی:

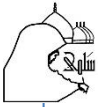
ذکر زبانی به جا آوردن حمد و ثنای الهی، نجوا کردن (آهسته حرف زدن)، درد دل کردن، درخواست کمک از درگاه خدای سبحان و پناه بردن از شر شیاطین انس و جن به آن بارگاه مقدس است. ذکر زبانی گرچه از تمام مراتب ذکر، نازل تر است ولی در عین حال مفید فایده است. زیرا که زبان در این ذکر به وظیفه خود قیام کرده و به علاوه ممکن است، این تذکر پس از مداومت و قیام به شرایط آن، اسباب باز شدن زبان قلب نیز بشود. (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲).

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) این گونه ذکر، زیاد به چشم می خورد و حتی مورد سفارش قرار گرفته است. چنانچه خود آن بزرگواران نیز در این زمینه الگوی پیروان خود هستند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... پدرم «کثیر الذکر» بود. من او را هنگام غذا خوردن و راه رفتن در حال ذکر گفتن خدا می یافتم، حتی صحبت کردن با دیگران، او را از یاد خدا باز نمی داشت. زبانش با گفتن «لا

اله الا الله» به کامش چسبیده بود. او ما را جمع می کرد. کسانی را که قرآن خواندن می دانستند به قرائت قرآن و کسانی را که قرآن خواندن نمی دانستند، به ذکر خدا فرمان می داد تا خورشید طلوع کند». (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۵۸)

تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) گفتن تسبیحات اربعه، «یا الله» و «یا رب»، «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و استغفار و مانند آن، از جمله ذکرهای زبانی می باشند که هر کدام ثواب مخصوصی داشته و اثر ارزنده ای در انسان ایجاد

می کند.





باید توجه داشت که ذکر زبانی لقلقه زبان نشود و همراه با غفلت دل نباشد، بلکه ذکر زبانی دست کم باید مقدمه ذکر قلبی گردد.

امام سجاد (علیه السلام) ذکر زبانی را از بزرگترین نعمت‌های الهی بر ما می‌داند و می‌فرماید:

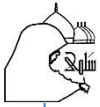
«و مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلْسِنَتِنَا؛ از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست.» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۱)

از جمله آیات مهمی که به ذکر لفظی اشاره دارد می‌توان به این آیه اشاره کرد. «وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ و پروردگارت را در دل خویش به حال زاری و ترس و به گفتاری آرام نه بلند، در صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از غافلان مباش.» (سوره اعراف، آیه ۲۰۵)

در این آیه شریفه پروردگار با آوردن «دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» ذکر زبانی را بیان کرده است و ذکر با صدای بلند را مطلوب قرار نداده است و حتی از آن اعراض کرده، و این نه به خاطر ذکر نبودن آن است، بلکه به خاطر این است که چنین ذکر گفتنی با ادب بندگی منافات دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵۰۰)

۲-۱-۳- ذکر قلبی:

مراد از ذکر قلبی یا ذکر خفی این است که ذاکر ذکر را بر زبان نیاورده و فقط با قلب خود به یاد خدا باشد. (قرشی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۵) و او را در نهان و آشکار، حاضر و ناظر بداند و از انجام اعمالی که مورد رضایت خدا نیست، پرهیز نماید. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۸) ذکر قلبی را بالاترین مرتبه ذکر دانسته‌اند که



توجه به خدا ابتدا از آن می‌جوشد و بعد بر زبان جاری می‌شود؛ مثلاً هنگام مطالعه و دقت در جهان آفرینش و مشاهده نظم کائنات به یاد عظمت خداوند بیفتد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۲)

امام سجاد (علیه‌السلام) در مناجات خود با خالقش این مرتبه از ذکر را یادآوری می‌کند:

«فَلَا تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ؛ بدین خاطر دل‌ها آرام نگیرند جز به یاد تو» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۳)

این فراز از دعای امام یادآور آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (سوره رعد، آیه ۲۸)

ظاهر این است که مقصود از ذکر، اعم از ذکر لفظی است و بلکه مقصود از آن مطلق انتقال ذهن و خطور قلب است، چه اینکه به مشاهده آیتی و برخوردن به حجتی باشد، و یا به شنیدن کلمه‌ای صورت گیرد. شاهدش این است که بعد از آنکه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» بعنوان قاعده کلی می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» و این خود قاعده‌ای عمومی است که شامل همه انحاء ذکر می‌باشد، چه اینکه لفظی باشد، و چه غیر آن، و چه اینکه قرآن باشد و یا غیر قرآن. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۵)

بنابراین ذکر قلبی همان توجه قلبی به خدای سبحان است که دل را صفا و صیقل داده، جلوه‌گاه محبوب می‌کند و روح را تصفیه کرده، انسان را از قید اسارت نفس می‌رهاند. اگر قلب به تذکر محبوب و یاد حق تبارک و تعالی عادت کرد و



با آن عجین شد، انسان را دگرگون می‌کند، بطوری که حرکات و سکنتات چشم، زبان، دست، پا و سایر اعضا، با ذکر حق انجام می‌گیرد و برخلاف وظایف، امری انجام نمی‌دهند.

۳-۱-۳- ذکر عملی:

ذکر عملی آن است که انسان در عمل، خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود دانسته، هر جا که صحبت واجب باشد، آنجا حاضر بوده و هر جا که صحبت از محارم الهی، گناه و نافرمانی خدا باشد، غایب باشد و در حال گناه و نافرمانی دیده نشود. این نوع ذکر در آیات قرآن، به تعبیر گوناگون، در مورد اعمال انسانی به کار رفته است.

۳-۲- ذکر از جهت خفاء و تجلی:

در این تقسیم ذکر به جلی و خفی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۳-۲-۱- ذکر خفی:

ذکر خفی، پنهان و آهسته به ذکر خدا مشغول بودن است. (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰)

بنا بر این تعریف ذکر خفی دو جهت دارد: یکی ذکر نفسانی که انسان در نفس خویش متذکر خداوند باشد و دیگری ذکر در پنهان و خلوت است به گونه ای که کسی انسان را نبیند و صدای او را نشنود.

امام سجاد (علیه‌السلام) از خداوند متعال درخواست می‌کند که ذکرش را در پنهان و پنهان و به هنگام شب به ایشان عطا کند.

«إِلَهِي فَأَهْمِنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَاءِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ؛ خدایا پس
ذکرت را به ما الهام کن در نمان و آشکار و شب و روز و پیدا و پنهان» (درایتی،
۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۲)

همچنین در ادامه می‌فرماید:

«وَ آنِسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ؛ و ما را به ذکر پنهان مانوس فرما» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای
۱۹۴، فراز ۲)

آنچه در این فراز از مناجات قابل توجه می‌باشد اهمیت امام سجاد علیه السلام به
ذکر در خفا و به طور پنهانی است.

چنانچه پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) در حدیثی توجه ما را به این نوع از
ذکر جلب می‌نماید و می‌فرماید:

«خدا را با «ذکر خامل» یاد کنید عرض شد ذکر خامل چیست؟ فرمود: ذکر خفی
و پوشیده.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵۲)

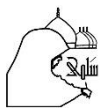
ایشان در جای دیگری به برتری ذکر خفی تصریح نموده است:

«بهترین ذکر یا پوشیده و مخفی است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵۲)

خداوند متعال نیز در این زمینه چنین می‌فرماید:

«وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ
الْعَافِلِينَ؛ و پروردگارت را از روی خوف و تضرع، آهسته و آرام در دل خود و در
هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.» (سوره اعراف، آیه ۲۰۵)

این آیه شریفه ذکر و یاد پروردگار را بدو قسم تقسیم کرده، یکی توی دل و یکی
به زبان و آهسته، آن گاه هر دو قسم را مورد امر قرار داده، و اما ذکر به صدای
بلند را مورد امر قرار نداده بلکه از آن اعراض کرده، و این نه به خاطر ذکر نبودن



آن است، بلکه به خاطر این است که چنین ذکر گفتنی با ادب عبودیت منافات دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵۰۰)

۲-۲-۳- ذکر جلی:

همه اذکاری که برای دیگران قابل شنیدن و آشکار هستند ذکر آشکار و جلی محسوب می‌شوند.

آشکار شدن ذکر خداوند تبارک و تعالی امری است که علاوه بر قلب و زبان در اعمال و رفتار نیز باید مشاهده شود.

و همچنین امام زین العابدین (علیه السلام) این امر مهم را از خداوند متعال در خواست می‌کند و می‌فرماید:

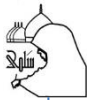
«إِلَهِي فَأَهْمُنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ؛ خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهمان و آشکار و شب و روز و پیدا و پنهان» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۲)

از آنچه در تفاسیر به دست آمده این است که یکی از مصادیق ذکر جلی نماز جمعه می‌باشد.

و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید!» (سوره جمعه، آیه ۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید زمانی که ندا داده شد از برای نماز از روز جمعه پس سعی کنید یعنی تعجیل کنید بسوی ذکر خدا یعنی به سرعت بروید که درک



نماز جمعه را بکنید و خود را مهیا کنید برای نماز جمعه. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۵۲)

همانطور که در این تفسیر نیز آمده ذکرالله به معنای نماز جمعه است.

۴- درخواست‌های ذاکرین:

بنابر نظر عده ای از بزرگان منظور از ذکر عملی یعنی همان اعمال واجبی که انسان انجام می‌دهد به عبارتی ذکر عملی زمانی حاصل می‌شود که ذکر و یاد خداوند متعال در اعمال انسان جاری شود به گونه ای که آنچه را بر قلب و زبان است با اعضا و جوارح خود نشان دهد و سعی در کسب رضایت الهی داشته باشد تا بهترین پاداش برایش مقدر شود.

امام زین العابدین (علیه السلام) نیز در فرازی از مناجات‌الذاکرین ضمن بررسی ذکر عملی آن را به عنوان کوششی رضایت بخش معرفی می‌کند که موجب کسب پاداشی کامل از جانب خداوند تبارک و تعالی می‌شود.

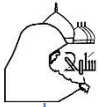
۱-۴- واداشتن به کار نیک و کوشش رضایت بخش:

ذکر عملی آن است که انسان در عمل، خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود دانسته، هر جا که صحبت واجب باشد، آن‌جا حاضر بوده و هر جا که صحبت از محارم الهی، گناه و نافرمانی خدا باشد غایب باشد و در حال گناه و نافرمانی دیده نشود.

از همین رو امام العارفين (علیه السلام) در فرازی از مناجات‌الذاکرین می‌فرماید:

«وَ اسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ وَ السَّعْيِ الْمَرْضِيِّ؛ و به عمل پاکیزه و به کوشش پسندیده

بکار گیر» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۲)





برای اینکه مشخص شود مصداق‌های عملی پاکیزه و کوشش پسندیده که مد نظر امام (علیه السلام) می‌باشد چه اعمالی هستند بهتر است به آیات قرآن رجوع شود، خداوند در سوره انسان با اشاره به مقام ذکر عملی اهل بیت (علیهم السلام) به مومنان می‌آموزد که چگونه می‌توانند ذکر کامل را در مقام عمل بیاورند خداوند متعال در این سوره می‌فرماید:

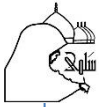
«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ و غذای خود را با آن‌که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی‌خواهیم.» (سوره انسان، آیه ۸ و ۹)

بنابراین تنها کسانی که با تمام وجود در قلب و زبان خود خداوند متعال را یاد کنند می‌توانند در زمره‌ی افرادی باشند که آن‌چه را در قلب و زبان خود دارند در اعمال خود جاری کرده و رضایت الهی را کسب کنند و هیچ چشم داشتی به پاداش از جانب غیر اله نداشته باشند.

۲-۴- درخواست پاداش کامل:

امام المتقین امام سجاد (علیه السلام) در مناجات‌الذاکرین پس از آن‌که خواستار توفیق ذکر الهی است از پروردگار درخواست پاداش می‌کند و می‌فرماید:

«وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ؛ و به میزان کامل پاداشمان ده» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۲)



«میزان» در لغت به وسیله سنجش اشیاء گویند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۹۸) و آن هر چیزی است که با آن وزن و سنجش شود اعم از اینکه قول باشد یا فعل و یا ترازوی متداول. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۰۸)

«الوافی» به آن چه که به نهایت و کمال خود می رسد می گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱۱)

برای مشخص شدن منظور امام (علیه السلام) از «میزان الوفی» باید به آیات قرآن مراجعه شود. خداوند متعال در سوره مبارکه احزاب آیه ۳۵ می فرماید:

«وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است.»

بر اساس این آیه کریمه یکی از آثار و ثمرات اخروی یاد خداوند مغفرت الهی است که شامل حال یادکنندگان خدا می گردد و اضافه بر آن، خداوند و عده اجر و پاداش بزرگ نیز به ایشان داده است.

بنابراین سید العارفین (علیه السلام) در این فراز کوتاه بزرگترین پاداش را از خداوند متعال درخواست می کند.

۵- ویژگیهای حضرت حق (مذکور):

شناخت و معرفت چیزی مستلزم دانستن ویژگی های آن چیز است در همین راستا نیز امام العارفین علیه السلام بعد از آنکه در فرازهای ابتدایی مناجات و جوب ذکر و مراتب آن را بیان فرمودند به ویژگی های حضرت حق که بهترین مذکور و نهایت ذکر است اشاره می کنند.



۱-۵- شيفتگی قلب‌های واله:

عشق و محبت به پروردگار متعال یکی از بهترین عوامل ایجاد انگیزه برای یاد کردن خداوند است همان‌طور که امام علیه السلام نیز در مناجات‌الذاکرین می‌فرماید:

«إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ؛ خدایا دل‌های عاشق شیفته تو هستند.» (مصطفی درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۳)

عشق، محبت شدید و علاقه خاص است. در قرآن کلمه عشق به صراحت نیامده، اما از واژه‌های دیگر که معنای عشق را می‌رساند، استفاده شده است:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند، برای خود انتخاب می‌کنند و آن‌ها را چون خدا دوست می‌دارند، اما آن‌ها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است.» (سوره بقره، آیه ۱۶۵)

در آیه ی فوق، شدت حبّ و علاقه‌مندی، به عشق تفسیر شده است و بیانگر آن است که اساس پرستش عشق است.

هیچکس به اندازه خداوند متعال شایسته محبت و عشق بنده نیست و این عشق نیز جز با ایمان الهی و طلب او حاصل نمی‌شود و ذکر یکی از والاترین مصادیق طلب الهی است.

۲-۵- شناخت معبود توسط عقل‌های مختلف:

عقل و به تبع آن تفکر سیر باطنی از مبدا به مقصود است و انسان بدون این سیر نمی‌تواند از نقص به کمال برسد چرا که یکی از راه‌های شناخت خداوند از طریق عقل حاصل می‌شود نیرویی که بیشتر عملکرد آن محاسبه و درک وجودات

وصفی و صفات الهی است این روش طریق خواص مردم است کسانی که پس از مطالعه و آیات تکوینی او در خلقت، از طریق استدلال و برهان و عقل و فلسفه و حکمت به شناخت خدای تعالی می‌پردازند. بنابراین عقل طریقی جهت شناخت و معرفت الهی می‌باشد.

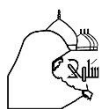
همچنان که امام زین العابدین (علیه السلام) نیز در مناجات الذاکرین می‌فرماید:

« وَ إِلَهِي عَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ؛ وَ خدایا خردهای جدای از هم بر معرفتت گرد آمده اند» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۳)

این فراز از کلام معصوم علیه السلام بیانگر آن است که هیچ عقلی از معرفت و شناخت خدا بی بهره نیست و خداوند متعال عقل‌ها را چنان آفریده است که بتوانند او را بشناسند از این رو هر عقلی دست کم از پائین‌ترین مرتبه‌ی معرفت خداوند بهره‌مند است.

خداوند متعال از کسانی که زبانشان پیوسته با ذکر نام حق آشنا و سینه و قلبشان با تفکر در آفرینش نظام هستی از زلال دانش و جام معرفت سیراب بوده به عنوان فرزنانگان یاد کرده و می‌فرماید:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَفُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ مسلما در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع‌کننده] است همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای





منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار» (سوره آل عمران، آیه ۱۹۱ و ۱۹۰)

بنابراین تفکر و تعقل و به تبع آن معرفت الهی از اساس دین شناسی است و شناخت الهی حاصل نمی‌شود مگر با شناخت خویش همان‌طور که در حدیثی از امام علی (علیه السلام) در جلد پنجم غرر الحکم است که ایشان می‌فرمایند:

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۵۵۸) «کسی که خود را بشناسد، تحقیقاً پروردگارش را می‌شناسد.»

۳-۵- تسبیح ذات اقدس اله در هر مکان و هر زمان و با هر زبان و دلی :

خداوند در هر زمان و مکانی، و در هر ظرفی معبود است. هر کسی را هر جایی نمی‌شود دید و صدا زد و یا به هر زبانی نمی‌شود صدا زد و آن کسی که به هر زبانی خوانده می‌شود فقط خداست.

سید الساجدین (علیه السلام) نیز در مناجات الذاکرین به این نکته مهم پرداخته و می‌فرماید:

«أَنْتَ الْمَسْبُوحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ، وَالْمَدْعُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ؛ تَوَيْبِي كَمَا أَنَّكَ فِي كُلِّ مَكَانٍ، تَسْبِيحٌ وَ سَتَائِشْتٌ مِی كُنْتُمْ وَ دَرِی زَمَانٍ مَوْرِدٌ پَرَسْتَشِی وَ دَرِی بَرَه‌ه‌ای وَ جُود داری وَ یافْت می شوی وَ با هر زبانی تو را می خوانند وَ دَرِی دلی به عظمت یاد می شوی.» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۴)

در تاکید این‌که ذکر و تسبیح خداوند مکان خاصی ندارد آیه ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره صافات در رابطه با تسبیح حضرت یونس (علیه السلام) در شکم ماهی می‌فرماید:

«فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ و اگر او از زمره تسبیح کنندگان نبود قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن [ماهی] می‌ماند.»

در تفسیر شریف لاهیجی ذیل این آیه آمده: به برکت و تسبیح و تهلل او را از آن زندان نجات دادیم. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳ ص ۷۹۷)

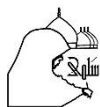
و همچنین در قاموس قرآن چنین آمده است: پس از آن که آن حضرت در شکم ماهی جا گرفت، خدا در اثر تسبیح و استغاثه نجاتش داد و اگر استغاثه نمی‌کرد نجاتش غیرممکن بود. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۷۸)

آنچه از این آیات نورانی و کلام مبارک امام زین العابدین (علیه السلام) در این فراز از مناجات به دست می‌آید این است که تنها معبودی که همیشه موجود است و می‌توان او را در هر زمان و مکانی تسبیح نمود (حتی در دل ماهی) و در هر دلی جای دارد و به هر زبانی می‌توان او را خواند، خداوند متعال و بی‌همتاست.

۴-۵- رحمانیت الهی:

ارحم و راحم از ریشه رحم گرفته شده اند. ارحم افعال تفضیل است به معنای مهربان‌ترین و راحم به معنای رحم کننده و مهربان است، و روی هم به معنای مهربان‌ترین مهربانان است.

راغب می‌گوید: رحمت، مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان نسبت به شخص مرحوم است. گاهی فقط در مهربانی و گاهی فقط در احسان بکار می‌رود: رحم اگر به خدا نسبت داده شود مراد از آن فقط احسان است نه رقت قلب چنان که روایت شده: رحمت از خدا انعام و تفضل و از آدمیان رقت قلب و عاطفه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷)





امام العارفين (عليه السلام) در آخرين فراز مناجات الذاكرين به اين دو ويژگي خاص خداوند متعال اشاره مي‌کنند:

«وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ و ای مهربان ترين مهربانان» (درايتي، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۶)

در آیات بسياری از قران کریم اين دو صفت والای پروردگار آمده است و بارزترين آن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که در ابتدای سوره‌ها می‌آید و اين تاکيد بيانگر اهميت رحمانيت و رحيميت الهی بر بندگان است.

طبرسی در موارد بسياری از جمله در تفسير سوره حمد و ذيل آيه ۱۵۷ سوره بقره رحمت را نعمت معنی کرده است و در سوره حمد پس از ذکر قول ابن عباس می‌گويد: خدا با رِقَّت و انفعال توصيف نمی‌شود پس مراد از رحمت نعمت و افضال است. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳)

بنابراين رحمت در خداوند به معنای احسان و نعمت است و «ارحم الراحمين» به معنای بالاترين درجه احسان و بخشايش‌گری است امام سجاد (عليه السلام) نیز با همهی آگاهی که از رحمانيت الهی دارند مناجات الذاكرين خویش را با اين ويژگي خداوند تعالی به پايان می‌برند.

۶- آثار ذکر:

«ذکر الهی» مانند نسیمی فرح‌بخش، حیات معنوی را به انسان عطا می‌کند. قلب خسته و افسرده انسان با «یاد خدا» طراوت می‌یابد و در کشاکش مشکلات و انبوه گرفتاری‌ها، تنها یاد خالق متعال می‌تواند اطمینان قلب و آرامش نفس و بزرگی و عظمت را برای ذاکر الهی فراهم آورد تا جایی که بنده فقط با ذکر الهی به سکون

نفس و بزرگی روح دست پیدا می‌کند. اثراتی که از ذکر بیان شد آثاری هستند که در مناجات‌الذاکرین، امام سجاد علیه السلام به صراحت به آنها می‌پردازند.

۱-۶- آرامش و اطمینان قلبی :

یکی از آثار و نتایج بزرگ و مهم یاد خداوند، آرامش باطن و اطمینان قلب است. سید الساجدین (علیه السلام) نیز به این امر مهم را یادآور می‌شوند و می‌فرماند:

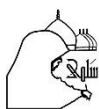
«فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ؛ بدین خاطر دل‌ها آرام‌نگیرند جز به یاد تو» (مصطفی درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۳) این کلام نورانی امام علیه السلام اشاره به آیه معروف ذیل می‌باشد:

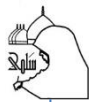
«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!» (سوره رعد، آیه ۲۸)

در العین آمده: (تطمئن) از ریشه (طم‌ن) به معنای آرامش یافتن می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۴۲) و همچنین راغب با اشاره به آیه ۲۸ سوره رعد می‌گوید: آگاه باشید که به شناخت خداوند و زیادی عبادت (آرامش قلب) حاصل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۴)

امام علی (علیه السلام) نیز در کلام گهربار خویش این‌گونه می‌فرماید: یاد خدا عقل را آرامش می‌دهد، دل را روشن می‌کند و رحمت او را فرود می‌آورد. (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۶)

و یا در جایی دیگر می‌فرماید: خدا را خالصانه یاد کنید تا بهترین زندگی را داشته باشید و با آن راه نجات و رستگاری را بیمایید. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸،





همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بلاهای بزرگ انسان بوده و است ولی در مناجات‌الذاکرین امام معصوم (علیه السلام) با یک جمله زیبا و کوتاه و با تاکید بر آیه قرآن کریم ذکر الهی را عاملی برای نجات انسان از این تنش‌ها معرفی می‌کنند.

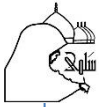
۲-۶- سکون نفسانی:

امام سجاد (علیه السلام) علاوه بر اطمینان قلبی در فراز پیشین به آرامش نفس نیز به عنوان یکی از اثرات ذکر پرداخته اند و می‌فرمایند:

«و لَا تَسْكُنُ النَّفْسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ؛ و جان‌ها جز به هنگام مشاهده ات راحتی نیابند» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۳) (سکن) بر وزن (فرس) در معنای آرامش و محل آرامش است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۸۳) اطمینان به معنای سکون و آرامش است و اطمینان به چیزی، به این است که آدمی با آن دلگرم و خاطر جمع شود. (محمدحسین طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۳) رؤیا یعنی رؤیت یعنی نگاه با چشم و قلب. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷۱) دلایل عقلی گواهی می‌دهد که خداوند هرگز با چشم دیده نخواهد شد، زیرا چشم تنها اجسام یا به عبارت صحیح‌تر، بعضی از کیفیات آن‌ها را می‌بیند و چیزی که جسم نیست و کیفیت جسم هم ندارد، هرگز با چشم مشاهده نخواهد شد.

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ چشم‌ها او را نمی‌بینند؛ در حالی که او چشم‌ها را می‌بیند؛ و او لطیف و خبیر است» (سوره انعام، آیه ۱۰۳)

اما اگر منظور از این دید، دید فکری و عقلانی باشد، باید گفت که در این دنیا و در بهشت نیز با چشم دل و نیروی عقل می‌توان جمال خدا را مشاهده نمود. ولی



اگر منظور از دید و چشم، چیزی است که فقط با آن جسم را می‌توان دید، چنین چیزی در مورد خداوند محال است خواه در این دنیا باشد، خواه در جهانی دیگر. بنابراین می‌توان با ذکر و یاد الهی، خداوند متعال را در عمق جان خود دید و به آن سکون نفسانی و معنوی دست پیدا کرد همان‌طور که در آیه قرآن آمده:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً؛ ای نفس مطمئنه خشنود و

خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد» (سوره فجر، آیه ۲۸ و ۲۷)

در تفسیر نور ذیل این دو آیه آمده: دل آرام و نفس مطمئنه، با ذکر خدا به دست می‌آید، راضی بودن و مرضی بودن، نشانه نفس مطمئنه است که او از خدا راضی است و خدا نیز از او راضی است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۷۹)

آن‌چه از کلام وحی و این فراز از مناجات الذاکرین به دست آمد همان است که گفته شد یعنی سکون نفسانی یکی از اثرات خاص ذکر است.

۳-۶- تقخیم و تعظیم ذاکر:

امام سجاد (علیه السلام) در این فراز با در نظر گرفتن این‌که وعده‌ی الهی حق است و خداوند خلاف وعده اش عمل نمی‌کند، وعده‌ی الهی را چنین یادآوری می‌فرماید که خودت فرمودی و وعده دادی که اگر یادت کنیم ما را به شرف و عزت و بزرگی برسانی و در ادامه از خداوند می‌خواهد که به وعده اش عمل کند. در واقع امام علیه السلام در این فراز یکی دیگر از آثار ذکر را بیان می‌فرماید و آن شرافت و بزرگی ذاکر از جانب مذکور (حضرت حق) است.

«فَأْمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ وَ وَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفاً لَنَا وَ تَفْخِيماً وَ إِعْظَاماً؛ ما را به یاد

کردنت فرمان دادی و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزت و کرامت

بخشیدن به ما، ما را یاد کنی.» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۶)



لغت‌شناسان معتقدند که واژه «وعد» هم در «وعدۀ خیر» و هم در «وعدۀ شرّ» کاربرد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۵)

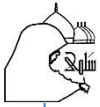
در آیات قرآن کریم نیز این واژه چندین بار هم در معنای خیر و هم در معنای شر به کار رفته است.

آنچه که میان این آیات در خصوص وعدۀ الهی چه در معنای خیر آن و چه در معنای شر آن قطعی می‌باشد این است که خداوند وعدۀ اش در نهایت صداقت است و خلافی در وعدۀ الهی صورت نمی‌گیرد همان‌گونه که در آیات قرآن به این امر تاکید شده است.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» خداوند تنها به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعدۀ آمرزش و پاداشی بزرگ داده است. (سوره مائده، آیه ۹)

تفسیر اطیب البیان در مورد «وعد الله» در این آیه می‌گوید: وعدۀ یکی از اموری است که وفای به آن لازم است که اگر به کسی وعدۀ دادی، باید عمل کنی. چرا که خلف وعدۀ قبیح عقلی است و محال است از خداوند صادر شود به مقتضای «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران، آیه ۹) که آیه می‌فرماید: قطعاً خداوند در وعدۀ خود خلاف نمی‌کند. غیر از این آیات، آیات دیگری نیز در این خصوص وجود دارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۱۵).

روایات بسیاری نیز به وفای عهد تاکید کرده اند همچون روایت امام جعفر صادق (علیه السلام) که می‌فرماید:



سه حکم از واجبات خداست که به کسی اجازه نداده آن را ترک کند نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بد کردار و وفای به عهد با نیکوکار و بدکردار و امانت‌داری که باید به صاحبش رد نمود خواه خوب باشد یا بد.» (صدوق، ج ۱، ص ۱۲۸).

آنچه در آیات و روایات گفته شد این بود که خلف وعده از خداوند متعال محال است و آنچه از کلام امام زین العابدین (علیه السلام) در این فراز گذشت این است که خداوند وعده داده تا بندگانش را به بزرگی یاد کند و این سخن معصوم در آیه‌ی «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» (سوره بقره، آیه ۱۵۲) به دست می‌آید چرا که یاد کردن خداوند بنده اش را چیزی جز عزت و بزرگی بخشیدن به او نیست.

۷- موانع ذکر:

خداوند همواره با بندگانش می‌باشد و به تعبیر قرآن از رگ گردن به آنها نزدیک‌تر است اما چه چیزی باعث می‌شود این بنده از یاد خدا غافل شود؟ پاسخ این سوال را امام سجاد (علیه السلام) در مناجات‌الذاکرین خود به بهترین وجه آورده اند که در ادامه بررسی خواهد شد.

۷-۱- لذت‌های نفسانی:

وجود هرگونه ناخالصی در انسان، زمینه را برای نفوذ شیطان فراهم می‌آورد و باعث غفلت انسان از یاد خداوند سبحان و سهل‌انگاری او در اطاعت از فرمان‌های الهی می‌شود تا جایی که ممکن است به مرحله‌ای برسد که شیطان بر او چیره شده و یاد خدا را از خاطرش ببرد و او را به ورطه نابودی بکشانند، یکی از ناخالصی‌های وجود انسان که موجب می‌شود انسان از یاد خدا غافل شود



لذائد دنیوی و نفسانی هستند. امام زین العابدین (علیه السلام) در مناجات الذاکرین از هر لذتی غیر از لذت یاد خداوند استغفار می‌کند و می‌فرماید:

«وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَعَثْتَ فِيهَا نَفْسًا» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۴) واژه‌ی استغفار به معنای درخواست مغفرت از ریشه «غ فر» در لغت به معنای پوشش است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۷۳)

لذت طیف گسترده‌ای از حالات ذهنی است که انسان‌ها و دیگر حیوانات بعنوان چیزی مثبت، خوشی آور، یا باارزش تجربه می‌کنند. لذت شامل حالات ذهنی مشخص تری همچون شادی، تفنن، خوشی، خلسه، و رضامندی می‌باشد به این نوع لذائد، لذائد مادی گویند.

در مقابل، لذائد دیگری وجود دارند که لذائد معنوی گفته می‌شوند و مختص انسان‌ها هستند مانند بنده‌ای که در پیشگاه معبود خود پیشانی خضوع و تواضع به زمین می‌ساید و به مناجات و عبادت می‌پردازد، چنان لذتی از مناجات و عبادت خود می‌برد که قابل توصیف نمی‌باشد.

گرچه برخی از وجود این لذت روحانی معنوی بی‌خبرند، اما کسی که مزه عبادت و بندگی خدا را بچشد، لذتی در خود احساس می‌کند که با لذت‌های حسی و مادی قابل مقایسه نمی‌باشد. با توضیح مختصری که از استغفار و لذت آورده شد معلوم می‌شود آنچه را امام (علیه السلام) از آن استغفار کرده اند لذات مادی و نفسانی می‌باشد نه لذت‌های روحانی و آنچه در این فراز از مناجات سیدالساجدین علیه‌السلام قابل توجه می‌باشد این است که استغفار و طلب

بخشش از این لذائد دنیوی که موجب غفلت از یاد خداوند متعال است بدون یاد خدا حاصل نمی‌شود همان‌طور که در سوره آل عمران آیه ۱۳۵ آمده:

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ فَمَا يَصْرُوهَا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد و بر آن‌چه مرتکب شده اند با آن‌که می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند.»

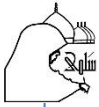
بنابراین استغفار واقعی خودش «ذکر» همراه با درخواست غفران و طلب مغفرت است.

۲-۷- راحت‌طلبی بدون انس با خدا:

فلسفه زندگی انسان چیزی جز رشد و تعالی روحی و کمال معنوی نیست، راحت‌طلبی آفت بزرگی برای کل زندگی انسان است و آن را کاملاً بی‌خاصیت می‌کند، چرا که مانع از رشد و تعالی روحی انسان است. بر این اساس امام زین العابدین (علیه السلام) راحت‌طلبی را یکی دیگر از موانع ذکر و یاد خداوند متعال می‌آوردند چرا که فرد رفاه‌طلب به دنبال راحتی خود می‌باشد و این راحتی در بسیاری از موارد با انجام فرامین الهی منافات دارد پس او را از یاد خدا غافل می‌کند. امام سجاد (علیه السلام) در این فراز از هرگونه رفاه‌طلبی که انسان را از یاد خدا غافل کند استغفار می‌کنند و می‌فرمایند:

«أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَعِيرٍ أَنْسِكَ؛ استغفار می‌کنم از هر آسایشی جز همدمی با تو»

(درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۴)





راحتی غیر از راحت طلبی است. گاهی انسان تلاش سختی کرده و واقعا خسته است و نیاز به استراحت دارد، این را نمی‌شود راحت طلبی نامید، نیاز به راحتی با تبدیلی و راحت طلبی یکی نیست. جایی که نیاز هست، استراحت کردن مجاز است اما نباید به افراط کشیده شود، چرا که نفس به سوی تبدیلی و راحتی گرایش پیدا می‌کند که اگر عادت شود، جلوی حرکت و تعالی و خودسازی را می‌گیرد.

در سوره مبارکه فرقان درباره‌ی علت نسیان و عدول مشرکین از توحید به شرک و غفلت از یاد خدا این گونه آمده است:

« قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا! » می‌گویند: منزهی تو، ما را نسزد که جز تو دوستی برای خود بگیریم، ولی تو آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آنجا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک شده، بودند.» (سوره فرقان، آیه ۱۸)

کلمه‌ی «بور» به معنای هلاکت و فساد است. به زمینی که خالی از درخت، گل و گیاه باشد، «بایر» گویند. در این آیه ممکن است جمع «بائر» باشد و ممکن است مصدر باشد، یعنی قومی که سراسر بورند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۳۸)

معبودهای مشرکین در پاسخ خدای متعال ابتدا، ادب عبودیت را بجا آورده و او رامنزه از شرک می‌خوانند و در ادامه می‌گویند: برای ما سزاوار نبود که غیر از تو اولیائی بگیریم، یعنی این کار صحیح و عقلانی نبود که ما پرستش را که مخصوص توست به غیر تو تعدی دهیم، اما این مشرکین خودشان ما را خدا فرض کرده و پرستیدند و ما را اولیائی به غیر تو در نظر گرفتند. بلکه علت گمراهی آنها این بود که خداوندا تو، به آنها نعمت و رفاه فراوان بخشیدی و آنها را بواسطه آن در معرض ابتلاء و امتحان قرار دادی و آنها آنقدر در مستی

نعمت و راحتی غوطه ور شدند که یاد و ذکر تو را که توسط پیامبرانت بسویشان آمد فراموش کردند و شرک ورزیدند و به سبب همین اعمال و فرو رفتن در شهوات و تمایلات نفسانی گروهی هلاک شده و فاسد گشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۶۳)

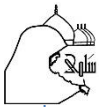
پس برای رسیدن به مقام ذکر واقعی، انسان باید سعی کند راحتی و آسایش بیش از حد را موجب غفلت از یاد خداوند می‌شود از خود دور کند.

۳-۷- شادی‌های نابجا:

یکی دیگر از مواردی که امام سجاد (علیه السلام) در مناجات‌الذاکرین از آن استغفار می‌کنند هر شادی و سروری غیر از قرب الهی است ایشان در این مناجات سراسر نور به خداوند عرضه می‌دارند:

«وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ سُورٍ بَعِيْرٍ قُرْبِكَ ؛ و از هر شادمانی به غیر قرب تو پوزش می‌طلبم» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۴) تقرّب مصدر باب تفعّل و از ریشه «قرب» است. قُرب در لغت خلاف بُعد و به معنای نزدیکی است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۸)

شادی نیز یکی دیگر از نیازهای بشر است البته این نیاز همچون نیازهای دیگر انسان، اگر مهار نشود و بی‌ضابطه باشد، به‌طور حتم، زیان‌هایی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا باید مرز شادی‌ها و تفریحات سالم و مشروع، از شادی ناروا و ناپسند روشن شود. شادی در قرآن، جایگاه خاصی دارد و به گونه‌های مختلف، مورد تایید و توجه قرار گرفته است؛ اما نه شادی بیهوده و عبث؛ بی شک شادی که امام (علیه السلام) از آن استغفار می‌کنند همان شادی‌های بیهوده ای است که مانع از تقرب انسان به خداوند می‌شود.





خداوند متعال در برخی از آیات قرآن، شادی را مذمت می‌کند؛ البته شادی‌های بیهوده‌ای که براساس ضدا ارزش‌ها هستند. در اینجا به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود: قرآن کریم در داستان «قارون» که فردی خودخواه و مغرور بود و شادی‌های مستانه داشت، از زبان قومش می‌فرماید:

«إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ؛ هنگامی که قوم قارون به او گفتند: شادی [مغرورانه] مکن که خداوند شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.» (سوره قصص، آیه ۷۶)

هم‌چنین قرآن کریم در آیه ای دیگر ضمن بیان عذاب‌های دوزخیان می‌فرماید:

«ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرُحُونَ؛ این به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می‌کردید و به خاطر آن است که [سخت به‌خود] می‌نازیدید [و از روی غرور و مستی به خوشحالی می‌پرداختید].» (سوره غافر، آیه ۷۵) آنچه در این دو آیه به صراحت آمده؛ شادی به خاطر مطالب بی اساس، یا شدت فرح است و شدت فرح نوعاً منشأیی جز غفلت و غرور ندارد.

بنابراین، آن‌جا که از شادی مذمت شده، به جهت همراه بودن شادی با گناه، غفلت از یاد خداوند و فساد است چرا که این‌ها همگی موانعی در قرب الهی هستند و شاید امام (علیه السلام) نیز دلیل استغفارشان از این‌گونه شادی‌ها این باشد که انسان را از یاد خداوند متعال غافل می‌کند و نتیجه غفلت از ذکر الهی هم چیزی جز دوری از خالق و هلاکت نیست.

۴-۷- اشتغالات زائد در غیر طاعت الهی:

همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بر اثر نفس اماره شیطانی و سرگرم شدن به زرق و برق‌های این دنیای فانی است به عبارتی این دل مشغولی‌های موجب می‌شود انسان نه تنها دنیا را پلی برای آخرت نبیند بلکه به دنبال ظاهر پر نقش و نگار و

فریبنده آن باشد. از همین رو امام العارفين (علیه السلام) از این سرگرمی‌های زودگذر دنیایی که مانعی در اطاعت الهی و بندگی اوست به خداوند پناه می‌برند و می‌فرمایند:

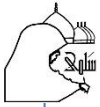
«وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ؛ و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می‌طلبم» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۴) اطاعت از ریشه «طوع» به معنای فرمان بردن همراه با خضوع و رغبت است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۳۱)

هدف از زندگی کردن در این عالم، اطاعت الهی و در نهایت عبد شدن است پس هر کاری که انسان انجام می‌دهد باید در راستای این هدف والا باشد، خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.» (سوره ذاریات، آیه ۵۶) عبادت خداوند همان اطاعت از اوست، پس در هر کاری که انسان انجام می‌دهد باید مطیع خداوند تعالی باشد و هر کاری غیر آن باطل است و باید استغفار کند زیرا اطاعت از غیر خدا و دستورات او انسان را از یاد خدا باز می‌دارد همان‌طور که در قرآن کریم آمده:

«اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند.» (سوره مجادله، آیه ۱۹)

بنابراین هرکس از غیر خداوند اطاعت کند بندگی او را نکرده و شیطان بر او مسلط می‌شود و یاد خدا را از دل او میبرد.





۸- آداب ذکر:

ذکر خداوند متعال شرایط و آدابی دارد که برخی از این شرایط در مناجات الذاکرین امام زین العابدین (علیه السلام) آمده و با آیات قرآن تطبیق داده شده است از جمله‌ی این آداب: ذکر کثیر، بهترین زمان برای ذکر، اولویت دادن یاد الهی بر هر چیز و در نهایت این آداب، درخواست جزای خیر از خالق جهت ذکر الهی می‌آید.

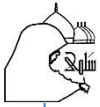
۱-۸- کثرت ذکر:

امام سجاد (علیه السلام) در فرازهای انتهایی مناجات الذاکرین یکی از آداب ذکر را با صراحت به آیه چهل و یکم سوره مبارکه احزاب مستند می‌کند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید.»

کثیر به معنی بسیار و ضد قلیل است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۷۰) کلمه «ذکر» در مقابل «نسیان» به معنای به یاد داشتن است، و آن عبارت است از این که آدمی نیروی ادراک خود را متوجه یاد شده کند، حالا یا به این که نام آن را ببرد، و یا صفات او را به زبان جاری کند، خلاصه چیزی به زبان بگوید که حکایت از آن مذکور کند، به عبارتی دائم به یاد او باشد حالا به هر نحوی که ممکن باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۹۲)

در روایات اسلامی آمده است که هر چیز اندازه‌ای دارد جز یاد خدا که هیچ حد و مرزی برای آن نیست طبق روایتی که از امام صادق (علیه السلام) آمده می‌فرماید: هر چیز حدی دارد که وقتی به آن رسد پایان می‌پذیرد جز ذکر خدا که



حدی که با آن پایان گیرد ندارد، سپس می‌افزاید خداوند نمازهای فریضه را واجب کرده است، هر کس آن‌ها را ادا کند حد آن تامین شده، ماه مبارک رمضان را هر کس روزه بگیرد حدش انجام گردیده و حج را هر کس یک بار به جا آورد همان حد آن است جز «ذکرالله» که خداوند به مقدار قلیل آن راضی نشده و برای کثیر آن نیز حدی قائل نگردیده سپس به عنوان شاهد این سخن آیه (یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً...) را تلاوت فرمود. (همان، ص ۴۹۵)

آنچه قرآن کریم و امام سجاد (علیه السلام) صریحاً به آن توجه دارند ذکر کثیر و دائم است یعنی در همه‌ی احوالات خدا را یاد کردن و این یکی از آداب ذکر است چرا که بدون توجه دائم حق بندگی بطور کامل ادا نخواهد شد.

۲-۸- رعایت زمان ذکر:

در قرآن کریم بعد از توجه به ذکر کثیر، دو زمان برای یاد الهی بطور خاص بیان شده است امام نیز در مناجات الذاکرین این دو آیه را پشت سر هم آورده اند تا با استناد به آیه چهل و یک و چهل و دو سوره مبارکه احزاب اشاره کنند به این که انسان در همه حال باید به یاد الهی باشد اما بر اساس نص صریح قرآن در دو زمان توجه به خداوند فضیلت بیشتری دارد همان‌طور که عین این دو آیه در کلام ایشان آمده است:

«یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبّحوه بُکرَةً و اَصِیلاً؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوئید.» (سوره احزاب، آیه ۴۲ و ۴۱)

«سبّحوه» از ریشه «سبح» و مشتقات آن تسبیح می‌باشد. کلمه «بُکرَةً» به معنای اول روز و کلمه «اَصِیلاً» به معنای آخر روز و بعد از عصر است. اگر تسبیح را مقید به «بکره» و «اصیل» کرده، برای این است که این دو هنگام، هنگام تحول احوال



افق است، در صبح، افق تاریک روشن می‌شود، و در غروب دوباره رو به تاریکی می‌گذارد، و این تغییر و دگرگونی مناسب با این است که خدای را منزّه از تغییر و تحول، و معرض دگرگونی بودن بدانیم، ممکن هم هست دو کلمه «بُكْرَةٌ» و «أَصِيلاً» کنایه باشد از دوام، مانند شب و روز. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۹۲) بنابراین ذکر الهی در همه حال لازم است اما در صبح و شام افضل است.

۳-۸-تقدم ذکر خالق بر مخلوق:

در یکی دیگر از فرازهای مناجات، امام علیه‌السلام به نکته قابل توجهی که در قرآن نیز آمده می‌پردازند این که خداوند درجه‌ی بنده اش را تا حدی بالا می‌برد که به او می‌گوید به یادم باش تا به یادت باشم در حالی که خداوند متعال نیازی به یاد بنده ندارد و این نیاز از دانی به عالی است یعنی از سوی عبد است و مطلب دیگر در ذیل آیه این است که خود توفیق ذکر الهی نیز از جانب پروردگار است پس این که خداوند می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.» (سوره بقره، آیه ۱۵۲) جز متّی از سوی خداوند تبارک و تعالی بر بنده اش نیست.

در تفسیر المیزان ذیل این آیه آمده: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند مرا خبر داد که هم‌نشین کسی است که او را یاد کند و خداوند فرموده: ای پسر آدم، مرا در نفس خود یاد کن، من نیز تو را در نفسم یاد می‌کنم، در خلوت مرا یاد کن، من نیز تو را در خلوت یاد می‌کنم، در حضور دیگران مرا یاد کن من نیز تو را در حضور دیگران یاد می‌کنم و فرمود: هنگامی که بدانم بنده من اشتغال به ذکر من دارد، بنده ام را از شهوات باز داشته و تنها به مناجات خود مشغولش کنم، اگر چنین باشد و زمانی اراده سهو و نسیان بنماید من حائل می‌شوم از آن که نسیان به

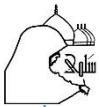
او دست دهد و فرمود: مرا یاد کنید تا من هم با نعمتم شما را یاد کنم و مرا با طاعت یاد کنید تا شما را به نعمت‌ها واحسان و آسایش و رضوان یاد نمایم.
(همان، ج ۱، ص ۵۱۳)

این‌که ابتدا بنده باید به یاد خداوند باشد تا خداوند متعال او را یاد کند یکی دیگر از آدابی است که امام (علیه السلام) در مناجات نورانی خود یادآور می‌شوند. ایشان علاوه بر آیهی فوق در فراز دیگری از مناجات نیز با استناد به آیه دیگری همین کلام خود را تاکید کرده و می‌فرمایند:

«يا ذَاكِرَ الذَّاكِرِيْنَ؛ ای کسی که یاد می‌کنی کسی را که تو را یاد کند.» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۶)

۴-۸- توقع پاداش ذکر:

در فراز دیگری از مناجات‌الذاکرین امام سجاد (علیه السلام) خود را در مقابل عظمت و بی‌نیازی خداوند قرار داده و از خداوند طلب پاداش ذکر را می‌کنند به عبارتی امام (علیه السلام) از خداوند می‌خواهند به وعده خود عمل کند و این وعده الهی همان ذکر و یاد بنده اش می‌باشد در واقع این فراز از مناجات امام می‌تواند تأکیدی بر «اذکرنی اذکرکم» فراز قبلی باشد یعنی امام (علیه السلام) می‌خواهند این را متذکر شوند که وعده الهی حق است و خداوند به یاد بنده اش می‌باشد و این ذکر الهی بنده اش را پاداشی است که بنده به دنبال آن است و از آداب ذکر است چرا که رعایت آداب چیزی و احترام به آن رابطه ای متقابل است یعنی ما او را یاد می‌کنیم و او ما را فلذا امام (علیه السلام) نیز این نکته را یادآور شده و می‌فرمایند:





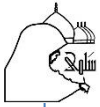
«وَهَا نَحْنُ ذَاكِرُوكُمْ كَمَا أَمَرْتَنَا، فَأَجْزِ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا؛ اكنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعده ات وفا کن» (درایتی، ۱۳۷۷، ج ۱، دعای ۱۹۴، فراز ۶)

«...وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است.» (سوره احزاب، آیه ۳۵)

این آیه اشاره به وعده‌ی خداوند برای ذاکران دارد که این وعده هم می‌تواند ذکر کردن خداوند بنده اش را باشد و هم مغفرت و هم هر پاداش بزرگ دیگری.

نتیجه

طبق بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مشخص شد کلام امام سجاد (علیه السلام) در مناجات‌الذاکرین از یک نظم و انسجام خاصی تبعیت می‌کند و نکات زیبایی را یادآور می‌شود از جمله این که ذاکر با ظرف محدود خود پروردگار یکتا را تقدیس می‌کند زیرا ذکر خداوند واجب و از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که با اذن حضرت حق انجام می‌شود. ذکر دارای سه مرحله (زبانی، قلبی و عملی) می‌باشد. ذکر زبانی نازل‌ترین مرتبه و در اثر مداومت مقدمه ای برای ذکر قلبی می‌باشد به شرطی که همراه با غفلت و همچنین با صدای بلند نباشد زیرا بلندی صدا با ادب بندگی منافات دارد. در ذکر قلبی ذاکر باید با قلب خود به یاد خداوند باشد و در ذکر عملی نیز بنده باید خدا را ناظر و شاهد بداند. بطور قطع به دنبال ذکر الهی پاداشی می‌آید و این جزای خیر زمانی حاصل می‌شود که با تلاشی نیکو همراه باشد همچنین اگر عشق و محبت ذاکر به معبودش زیاد شود بیش از پیش بر ذکر مداومت می‌ورزد.



از ویژگی‌های خاص ذکر این است که تابع مکان و زمان خاصی نمی‌باشد و آرامش قلبی و نفسانی را برای بنده به ارمغان می‌آورد اما با وجود نزدیکی خداوند متعال به بنده اش در برخی مواقع بنده از یاد خدا غافل می‌شود چرا که در مسیر ذاکر الی الله شدن موانعی همچون لذات زودگذر، رفاه‌طلبی و دل‌مشغولی‌های دنیوی، فراوان وجود دارد اما بر اساس گفتار کریمانه و پر مغز معصوم علیه السلام که سراسر نور و مطابق با مضامین آیات قرآن کریم و روایات است ذاکر الهی برای رهایی از این موانع باید خود را به سلاح استغفار و ذکر کثیر مجهز کند تا بتواند از این مهلکه نجات یابد.

منابع

قرآن کریم

صحیفه‌ی سجادیه

نهج البلاغه

منابع فارسی:

- ۱- حریری، محمد یوسف، ۱۳۸۵، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، هجرت، قم
- ۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین، بی تا، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی، شهید سعید محبی، تهران
- ۳- خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۸، چهل حدیث، موسسه تنظیم آثار حضرت امام خمینی (ره)، تهران
- ۴- درایتی، مصطفی، ۱۳۷۷، نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادیه جامعه، ایران‌داک، تهران



۵- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر

موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم

۶- طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطیب البیان، اسلام، تهران

۷- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران

۸- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران

۹- قمی، علی بن براهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، بنی الزهراء، قم

۱۰- قائمی‌نیا، سید علی‌رضا، ۱۳۸۹، بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)،

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران

۱۱- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم

۱۲- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، اخلاق در قرآن، انتشارات آموزش و

پرورش امام خمینی، قم

۱۳- _____، ۱۳۹۰، سجاده‌های سلوک، قم: انتشارات موسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم

۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، مدرسه امام علی علیه‌السلام،

قم

۱۵- نامورمطلق، بهمن، ۱۳۹۰، درآمدی بر بینامتنیت، نشر سخن، تهران

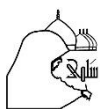
منابع عربی:

۱۶- ابن‌اثیر، مبارک بن محمد مجدالدین، ۱۳۶۴، النهایه، تحقیق: طاهر احمد

الزاوی و محمود محمد الطناحی، اسماعیلیان، قم

۱۷- ابن علی، محمد (شیخ صدوق)، ۱۳۸۳، علل الشرایع الاحکام، مکتبه

الحیدریه، قم



- ۱۸- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴، معجم مقایس اللغة، مکتب الاعلام، قم
- ۱۹- بحرانی، هاشم، ۱۴۱۵، البرهان فی تفسیر القرآن، بعثت، قم
- ۲۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۰، غررالحکم و دررالکلم، محقق میرسعید جلال الدین محدث، دانشگاه تهران، تهران
- ۲۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت
- ۲۲- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، صحیفه السجادیه الثانیه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم
- ۲۳- حویزی عروسی، بی تا، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، بی جا
- ۲۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، دمشق دار القلم - الدار الشامیه، بیروت
- ۲۵- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، نشر داد، ۱۳۷ تهران
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران
- ۲۷- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، مرتضوی، ۱۳۷۵ تهران
- ۲۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، کتاب العین، هجرت، قم
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، اصول کافی، ترجمه: جواد مصطفوی، علمیه اسلامیه، بی جا
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، مؤسسه‌ی الوفاء، بیروت
- ۳۱- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران